

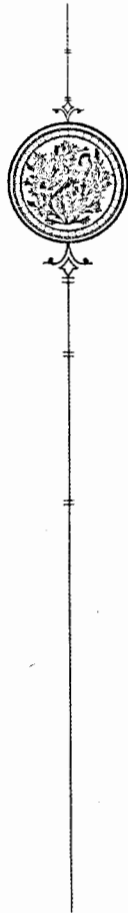
تحفه درود

رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و
اصول و قواعد خط نستعلیق (تألیف در ۱۱۲۰ هجری)

محمد منعم صدیقی

به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین

تحقیق و تصحیح
حمیدرضا قلیچ‌خانی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
مندرجات
- صدیقی، محمدمنعم‌بن عبدالحی، ۱۰۵۵-ق.
تحفه درود: رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و اصول و قواعد خط نستعلیق، محمدمنعم صدیقی /
به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین: تحقیق و تصحیح حمیدرضا قلیچ‌خانی.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۱.
۲۷۸ ص.، مصور (بخشی رنگی).
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۳۲۲. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۲۱.
۸-۶۲-۶۲۲-۷۷۰۶-۹۷۸
- فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۷۳] - ۲۷۵.
نمایه.
- ص. ۲۷-۲۱۲. تحفه درود: رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و اصول و قواعد خط نستعلیق،
محمدمنعم / ص. ۲۱۳ - ۲۳۵. رساله خوشنویسی از محمد امین.
خوشنویسی فارسی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴.
Persian Calligraphy -- Early Works to 20th Century
شعر فارسی -- هند -- قرن ۱۱ق.
Persian Poetry -- India -- 17th Century
قلیچ‌خانی، حمیدرضا، ۱۳۴۷-، مصحح.
محمد امین، قرن ۱۲ق. رساله‌ای در خوشنویسی.
NK۳۶۳۹
فنا ۶۱۹/۶۴۵
۹۰۷۸۰۲۶
- موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

تحفه درود

رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و
اصول و قواعد خط نستعلیق (تألیف در ۱۱۲۰ هجری)



محمد منعم صدیقی



به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین

تحقیق و تصحیح



دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۲۱]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح‌الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین‌وقایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



تحفه درود
 رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و
 اصول و قواعد خط نستعلیق (تألیف در ۱۱۲۰ هجری)

محمد منعم صدیقی

به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین



دکتر حمیدرضا قلیچ خانی	تحقیق و تصحیح
دفتر نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار	ویرایش
کاوه حسن بیگلر	گرافیسیت، طراح و مجری جلد
نرگس عباسپور	حروفچینی و صفحه‌آرایی
صف	لیتوگرافی
آزاده	چاپ متن
فرد	صحافی
۲۲۰۰ نسخه	تیراژ
زمستان ۱۴۰۱	چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار

ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نصب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶
 تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
 تلفن: ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
 ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
دکتر زاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب‌الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهرروز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

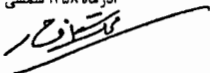
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم



کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است دربرداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته‌ی منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشر شده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۷	دیباچه.....
۲۳	اختصارات.....
۲۵	گزارش کار رساله تحفه درود.....
۲۶	معرفی مؤلف.....
۲۷	نام اثر.....
۲۸	نسخه‌شناسی.....
۲۹	امتیازات و ویژگی‌های اثر.....
۳۱	ذکر و یادکرد افراد.....
۳۲	سبک اثر و نظم.....
۳۴	زبان و رسم‌الخط.....
۴۱	گزارش کار رساله خوشنویسی.....
۴۱	معرفی رساله و مؤلف.....
۴۳	نسخه‌شناسی.....
۴۷	[متن رساله تحفه درود از محمدمنعم].....

رمز اول در بیان نمایش وطن و اظهار سنین عمر در وقت خواندن و نوشتن و بودن در خدمت

- ۵۹..... هادی سالکان یقین مخلومی شیخ شهاب‌الدین و...
 ۸۱..... رمز دوم در بیان خلقت قلم و رقم آن و...
 ۸۷..... رمز سیوم در بیان عیب و هنر قلم و موازنه معرفت او...
 ۹۲..... رمز چهارم در بیان محیره یعنی دوات
 ۹۷..... رمز پنجم در بیان آراستن مداد که به روشنائی و تیزروی فوقیت بر مداد سواد هر مُلک و بلاد دارد...
 ۱۰۵..... رمز ششم در بیان کاغذ هر ملک و بلاد و لطافت [و] کثافت او به انگیز مداد
 ۱۱۱..... رمز هفتم در بیان رنگ‌های کاغذ و فواید آن و آراستن کاغذِ عکسی و...
 ۱۱۳..... رمز هشتم در بیان آراستن وصلی و آهار...
 ۱۲۷..... رمز نهم در بیان مُهره که طالبان علم خطر را از او تمام بهره است و...
 ۱۳۱..... رمز دهم در بیان قلم‌تراش که سینه‌های خوشنویسان به طلب او پاش پاش است
 ۱۳۸..... رمز یازدهم در بیان تراشیدن قلم و ابراز راز وی بر ضمیر خوشنویسان مُلک عرب و عجم
 ۱۵۹..... رمز دوازدهم در بیان مقط
 ۱۶۳..... رمز سیزدهم در بیان زدنِ قط
 ۱۶۹..... رمز چهاردهم در بیان اصول حروفِ مفردات و قواعدِ وزن وی...
 ۱۹۷..... رمز پانزدهم در بیان اصول حروفِ مرکبات و قواعدِ وزن وی...
 ۲۱۳..... [متن رساله خوشنویسی از محمد امین]
 ۲۱۴..... مقدمه در وصف خط
 ۲۱۵..... باب اول در اصول نستعلیق
 ۲۲۰..... باب دوم در ذکر خطاطان

فهرست مطالب ۱۵

۲۳۲	باب سوم در ساختن سیاهی و غیره
۲۳۷	نمایه‌ها
۲۳۹	آیات، روایات و ترکیبات عربی
۲۴۲	کسان
۲۴۵	جای‌ها
۲۴۷	کتاب‌ها
۲۴۸	تاریخ‌ها
۲۴۹	کاغذ و کاغذسازی
۲۵۱	رنگ، رنگ آمیزی، مرکب و کتاب‌آرایی
۲۵۵	قلم و قلم تراش
۲۵۹	تصاویر
۲۷۱	کتابنامه

دیباچه

در سال ۱۳۹۲ بود که به لطف پروفیسور چارلز ملویل عازم کمبریج شدم تا از بورسی که اجازه چند ماه اقامت در آنجا را می‌داد، بهره‌مند شوم. در آن روزها به بازیابی وبسایت شاهنامه مشغول بودم و کلاس‌هایی برای خواندن اسناد با دانشجویان دکتری داشتم. گه‌گاه هم برایم سخنرانی و کارگاه‌هایی را تدارک می‌دیدند. از مشغولیت‌هایم، بررسی نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه کمبریج و همچنین کتابخانه‌های بریتانیا و بادلیان در لندن و آکسفورد بود.

خوشبختانه کتابخانه‌های دانشگاه کمبریج و بادلیان اجازه عکاسی بدون فلاش از نسخه‌ها را می‌دادند و از این رو سرعت مطالعاتم بیشتر می‌شد اما در کتابخانه بریتانیا اجازه عکاسی نمی‌دادند و ناچار بودم تا تمام نکات، توصیفات و تحلیل‌هایم را همان هنگام یادداشت کنم تا بعدها به فراموشی سپرده نشود.

از جمله بخت‌یاری‌هایم این بود که در میان نسخه‌های کتابخانه دانشگاه کمبریج به دستنویسی از رساله تحفه درود برخورددم و دریافتم که بسیار ارزشمند است و تاکنون کسی از آن خبر نداشته و مطلبی درباره‌اش منتشر نشده است. با

توجه به شواهد و قراین، این نسخه از روی نسخه مؤلف در ۱۱۲۶ هجری و در زمان حیات او استنساخ شده و به گمان بسیار به نظر مؤلف هم رسیده است. ضمناً خط نسخه نستعلیق خوش عالی و تقریباً خواناست و متن هیچ‌گونه افتادگی ندارد و توضیحات بسیاری هم در بالای کلمات و حواشی صفحات وجود دارد که باید از مؤلف باشد. با آن‌که برخی قسمت‌های این توضیحات، ناخوانا و یا نامفهوم است، اما کوشیده‌ام تا از محتوای آن توضیحات هم در پی نوشت‌ها بهره کافی گرفته شود.

محمدمنعم خوشنویسی گمنام از مسلمانان شبه‌قاره و ساکن منطقه آرول است و در ۱۱۱۵ هجری دست به تألیف این اثر زده و در تاریخ رمضان ۱۱۲۰ آن را به پایان برده است. محمدمنعم صدیقی فرزند شیخ عبدالحی ابن شیخ شهاب‌الدین آرولی بهاری در صفر سال ۱۰۵۵ دیده به جهان گشوده و از پنج سالگی عازم مکتب شده و تحصیلات خود را در ۱۰۷۳ به پایان برده است. او در خوشنویسی شاگرد میان‌شیخ عبدالکریم و حاجی جمال‌الدین بوده و گویا تا زمان استنساخ این نسخه در ۱۱۲۶ هجری در قید حیات بوده است. وی شاعر نیز بوده و بالغ بر ۴۶۰ بیت شعر با تخلص «منعم» در این کتاب دارد.

با اینکه خوشبختانه از خودش اطلاعات بسیاری به دست داده است، اما شوربختانه در منابع هند و ایرانی نام و نشانی از وی دیده نمی‌شود و از این نکته، می‌توان پی برد که شماری از هنرمندان و ادیبان و فارسی‌دانان شبه‌قاره هند، همچنان گمنام و ناشناخته هستند.

در نسخه‌هایی از این دست، با افتادن صفحات نخست و انجامه، غالباً کار شناسایی متن و انتسابش به مؤلفی خاص، دشوار می‌شود. به نظر می‌رسد که

محمدمنعم از این نکته آگاه بوده و از این رو در هفت جا صریحاً به نام خود و در ده جا به نام رساله که تحفه درود است، اشاره کرده است.

او این رساله را به نثر مسجع و آهنگین نوشته و در میان مطالب، سروده‌هایی از خویش را هم افزوده است. سبک سخنوری و اطلاعات ارزشمند هنری رساله نشان می‌دهد که او در آموختن زبان فارسی و عربی و لطایف خوشنویسی و آشنایی با هنرمندان ایرانی زحمت و مرارت بسیار کشیده است. با آن‌که این رساله را کاتبی هندی به زبان غیرمادری تألیف کرده، اما از نظر محتوا بر رساله‌هایی چون فواید الخطوط از درویش محمد بخاری که رونویسی و ترکیب چند رساله دیگر است، برتری دارد و همچون رساله سلطانی علی مشهدی و باباشاه اصفهانی دارای اطلاعات تازه و دست اول است.

این رساله، مفصل‌ترین متنی است که تاکنون یک خوشنویس هندی درباره خوشنویسی و اصولش تألیف کرده و به تفصیل از ابزار و ادوات کتابت و اصول و قواعد مفردات و مرکبات خط نستعلیق سخن رانده است. از این رو منبعی منحصربفرد برای مطالعه چگونگی شکل‌گیری نستعلیق هندی به شمار می‌رود. از جمله راه‌های جست‌وجوی داد و ستدهای هنری و میزان تأثیر و تأثر هنرمندان ایرانی و هندوستانی، بررسی و مطالعه تذکره‌ها و رساله‌های فارسی است که در هند تدوین و تألیف شده است. این متون آن‌گونه که باید مورد بررسی دقیق و انتقادی قرار نگرفته و یکی از علت‌هایش نیز ناآشنایی پژوهشگران ایرانی با آنهاست. از سویی دیگر بیشتر این متون در دهه‌های اخیر، معرفی و منتشر شده است. متون ارزشمندی که هنرمندان هندی نگاشته‌اند، و می‌تواند در تدوین تاریخ هنر ایران بسیار سودمند و راهگشا باشد.

مشغله‌های بسیار سبب شد تا عکس و یادداشت‌هایم را تا بهار ۱۴۰۰ کنار گذاشته بودم و در ماه‌های اخیر بر آن شدم که نباید بیش از این، علاقه‌مندان را از مطالعه چنین رساله‌ای محروم گذاشت و از این رو متن را بازبینی کرده و اغلاط را از میان برداشته و متنی نزدیک به نوشته مؤلف را همراه با توضیحات و تصاویر برای مخاطبان کتاب، آماده کردم. افزودن معانی واژه‌ها و اصطلاحات و نمایه‌های گوناگون هم سبب بهره‌مندی بیشتر خوانندگان خواهد بود. در پایان کتاب، مفرداتی به خط نستعلیق (منسوب به میرعماد) را افزوده‌ام تا امکان مقایسه با مفرداتی که محمدمنعم آورده است، فراهم شود. این مفردات از مرقعی به شماره ۱۴۹۰ در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است و به لطف هنرمند گرامی، آقای محمدرضا عموزاد آماده‌سازی شده است.

به پیوست این کتاب، رساله خوشنویسی محمدامین را هم افزوده‌ام که در سال ۱۱۳۹ هجری تألیف شده است. این رساله مختصر را در سال ۱۳۹۱ در کتاب نذر عارف منتشر کرده بودم؛ اما در اینجا بازبینی و اصلاح شده است. هر دو رساله در نیمه نخست سده دوازدهم تألیف شده است. یکی در شرق هندوستان و به دست هنرمندی حرفه‌ای و دیگری با صدها کیلومتر فاصله در مرکز هند و توسط خوشنویسی غیرحرفه‌ای. مطالعه و مقایسه این دو رساله نشان‌دهنده رواج و مقبولیت خوشنویسی ایرانی در هندوستان سده دوازدهم است.

معرفی پیشینه و چگونگی تألیف و تدوین تذکره‌ها و رساله‌های هنری فارسی به قلم استادان شبه‌قاره، خود مثنوی هفتاد من کاغذ است که برای تأکید بر اهمیت آن به نمونه‌هایی چند که تاکنون منتشر شده، اشاره می‌کنم: کنز الاکساب (در فن مَهر کُنی و هنرهای وابسته) از رحمتی بن عطاءالله، احوال خطاطان ار

بختاورخان، رساله طیاری جلد از سید یوسف حسین، تذکره خوشنویسان از غلام محمد هفت قلمی دهلوی، تذکره حیات خوشنویسان از محمد حسین علوی شیرین رقم و رساله الوان الصّور از مرحمت علی حیدری؛ و همین جا تأکید می‌کنم که پس از زبان و شعر فارسی، خط و خوشنویسی بزرگترین میراث مشترک ایران و هند بوده است و حتی اگر زبان فارسی اندک اندک در دو سده اخیر در شبه‌قاره به فراموشی سپرده شده، اما خط نستعلیق برای نگارش زبان اردو در این گستره وسیع باقی مانده است.

خوشحالم که توفیق داشتم تا چند سالی را در هندوستان زندگی کنم و هر روزم را در جست‌وجو و مطالعه تأثیر و تأثرهای این دو تمدن بگذرانم و امیدوارم این کتاب، سبب شناسایی بیش از پیش ارتباط گسترده فرهنگ، ادب و هنر این دو کشور گردد و زمینه‌ساز پژوهش‌های کلان در داد و ستدهای ادبی و هنری این دو همسایه دیرین شود.

دیگر نکات در «گزارش کار» ذکر شده و در اینجا لازم است از دوستانی که در خواندن برخی از واژه‌ها و اصطلاحات هندی و یافتن معانی آنها یاری‌ام کرده‌اند، سپاسگزاری کنم: دکتر هومن یوسفدهی، دکتر سید منتظرعلی، دکتر محسن ذاکرالحسینی، دکتر ضیاءالرحمن، پروفیسور چندرشیکهر و پروفیسور معین نظامی. همچنین آقای دکتر محمد افشین‌وفایی که با گشاده‌روی از نشر این اثر در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات افشار استقبال کردند.

حمیدرضا قلیچ‌خانی

پاییز ۱۴۰۰، تهران

اختصارات

اصل عبارت در نسخه.	: اصل عبارت در نسخه.	اصل
برهان قاطع.	: برهان قاطع.	برهان
A Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English	: A Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English	پلاتس
شرحی که در حاشیه نسخه آمده است.	: شرحی که در حاشیه نسخه آمده است.	حاشیه
لغتنامه دهخدا.	: لغتنامه دهخدا.	دهخدا
رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته.	: رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته.	رسالاتی در خوشنویسی
غیاث اللغات.	: غیاث اللغات.	غیاث
درگذشت.	: درگذشت.	ف.
فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی.	: فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی.	فرهنگ اصطلاحات
فرهنگ عبارت‌های عربی در شعر فارسی.	: فرهنگ عبارت‌های عربی در شعر فارسی.	فرهنگ عبارت‌ها
هجری قمری.	: هجری قمری.	ق
قلیچ‌خانی.	: قلیچ‌خانی.	(ق)
فرهنگ لاروس.	: فرهنگ لاروس.	لاروس
مرآت‌الاصطلاح.	: مرآت‌الاصطلاح.	مرآت
فرهنگ فارسی.	: فرهنگ فارسی.	معین
نگاه کنید به.	: نگاه کنید به.	نک

گزارش کار رسالة تحفة درود

نسخه‌ای از رسالة تحفة درود را در سال ۱۳۹۲ خورشیدی در کتابخانه دانشگاه کمبریج یافتیم و با مروری اجمالی دریافتیم که کتابی گرانبه‌تر است و تاکنون معرفی نشده است. از آن سال در پی نسخه‌ای دیگر از آن بودم که بتواند در تصحیح متن کمک‌حالم باشد، ولی نتوانستم به دستنویسی دیگر دسترسی یابم و ناچار با فرض تک‌نسخه بودن، پس از حدود هشت سال که به کناری گذاشته بودمش، به تصحیح و انتشار آن پرداختم. پس از حروف‌چینی متن،^۱ به یک‌دست کردن رسم‌الخط، اعراب‌گذاری و افزودن علائم نگارشی پرداختم. پس از آن توضیحات حواشی نسخه را به پاورقی‌ها افزودم و واژه‌هایی که نیاز به شرح و معنا داشتند، معنا شدند. کوشیدم تا مشابهت‌ها و ابهامات را با مقایسه کردن متن با رسالات شناخته‌شده دیگر، حل کنم و نظرات مؤلف را در قیاس با دیگر رسالات توضیح دهم.

۱. متن و حواشی و شروح رساله بالغ بر ۴۳ هزار کاراکتر در نرم‌افزار ورد (word) شده است.

معرفی مؤلف

از مؤلف رساله اطلاعات تاریخی چندانی نداریم و آگاهی ما به آنچه خود در بینان رساله اش یاد کرده، محدود می‌شود. از آنجا که مؤلف در پایتخت‌های بابرین هند نزیسته و مستقیماً با پادشاه و بزرگان در ارتباط نبوده، به شهرتی که سزاوار اوست نرسیده و طبیعتاً همین نکته یکی از دلایل نایاب بودن آثار خوشنویسی و نیز نسخه‌های دیگر از رساله اش شده است.

محمدمنعم فرزند شیخ عبدالحی آرولی بهاری خوشنویس و شاعری است با تخلص «منعم» که در انجنامه نسخه از او این‌گونه یاد شده است: «محمدمنعم صدیقی ولد شیخ عبدالحی ابن شیخ شهاب‌الدین آرولی بهاری».

او در صفر ۱۰۵۵ق در روستای پنج‌زعفران در نزدیکی آرول (استان بهار) زاده شده و در ۱۰۶۰ به مکتب رفته و تا سال ۱۰۷۳ مشغول به تحصیل بوده است. تألیف رساله حاضر را در حدود ۱۱۱۵ آغاز کرده و در رمضان ۱۱۲۰ق به پایان برده است.

اطلاعات مفیدی از خودش به دست می‌دهد، علاقه‌مند به روایت و نقل خاطره و داستان است و اینکه بسیار حساس بوده و خاطره‌نی‌هایی که در کودکی از او دزدیده شده، تا میان‌سالی در ضمیرش باقی مانده است. مایل به موسیقی و طرب بوده اما از نظر اجتماعی به خود اجازه این کارها را نمی‌داده. گاه علاقه‌مند به طنز بوده^۱ و در اوزان گوناگون به سرایش شعر، آن هم در قافیه‌های دشوار پرداخته است. در نوزده جا از تخلص خود «منعم» یاد کرده و حدود ۴۶۰ بیت از اشعار خود را در این اثر آورده است.

۱. در حاشیه، هنگامی که به نقل داستانی در شهری اشاره می‌کند.

از پدرش، فرزندش، پیرش، استادان و یارانش نام می‌برد و زادگاه و محل زندگی‌اش را توصیف می‌کند و روشن است که شخصی خوش مشرب و با ارتباط‌های اجتماعی خوب بوده است. از پادشاهان هند در حد معمول یاد می‌کند و به ستایش بیش از اندازه آنان نمی‌پردازد اما در سخن گفتن از پیران طریقت، ارادت بیشتری نشان می‌دهد. ضمناً از شاگردانش نیز نامی نبرده است.

نام اثر

او در متن کتاب، ده بار به نام اثر تحفه درود و هفت بار به نام خودش «محمدمنعم» اشاره کرده است. این نکته از آگاهی و آینده‌نگری مؤلف سرچشمه می‌گیرد چراکه ممکن است برگ آغاز یا انجام رساله افتاده و گم شود و در نتیجه این رساله هم مانند صدها نمونه دیگر دارای نقص شناسنامه گردد و چنان‌که باید و شاید معرفی نگردد. از طرفی برخی از مؤلفان به صراحت رساله خود را نامگذاری نکرده‌اند، برای مثال سلطان‌علی مشهدی در ابیات پایانی رساله‌اش آورده است:

شرح آداب خط زبیش وز کم کردم آخر درین رساله رقم

و جز این مورد در هیچ‌یک از ابیات برای رساله‌اش نامی برنگزیده است و همین نکته سبب شده تا این رساله ارزشمند را «صراط السطور» و «صراط الخط»^۱ بنامند. محمدمنعم اثرش را سه بار «کتاب» و سه بار «رساله» و یک بار «نسخه» خوانده است. یک بار هم این اثر را به‌خاطر علاقه به فرزندش، غلام‌بهرام، «تحفه البهرام» نامیده است.

۱. نک: «بررسی اصالت رساله مداد الخطوط...»، ص ۴۹-۶۲.

نسخه‌شناسی

این رساله در مجموعه‌ای به شماره Or.1632 در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود و شامل متن دو رساله در خوشنویسی است. در بدرقه کتاب مطلبی بر روی برچسب کاغذی، چاپ و چسبانده شده است؛ یادداشت نشان می‌دهد که این نسخه را آقای والتر سیلید اید^۱ که در گذشته در دانشکده ترینتی^۲ بوده، در سوم فوریه ۱۹۴۳ به کتابخانه دانشگاه کمبریج عرضه کرده است.

نسخه دارای دو بخش است. نخست رساله‌ای از مجنون رفیقی هروی است که این‌گونه آغاز می‌شود:

«اگر خواهی که بشناسی سیاهی که گیرد از سفیدی تا سیاهی»

و ۲۱ صفحه را شامل می‌شود و این‌طور به پایان می‌رسد:

«بیامرز آن‌که بی روی و ریایی کند مسکین بی‌کس را دعایی

تمام شد رساله میرمجنون فی دوازدهم شهر ذی‌قعدة سنه ۱۱۲۵ فصلی بخط فقیر دین الله انصرام یافت.»

پس از آن رساله تحفه درود از ورق ۲۷ نسخه آغاز شده است. رساله در ۲۶۸ صفحه ۱۳ سطری به خط نستعلیق خوش‌عالی و خوانای سیف‌الله در سال ۱۱۲۶ ق کتابت شده است. از این خوشنویس گمنام اطلاعات چندانی در دست نیست ولی مشخص است که مکان کتابت به محل زندگی مؤلف نزدیک است. هرچند کاتب یادآوری نکرده است که نسخه را از روی نسخه به خط مؤلف نوشته باشد، اما قرینه‌هایی هست که به نظر می‌رسد این نسخه از نسخه اصلی

مؤلف استتساخته شده است. یکی اینکه از این اثر نسخه‌های متفاوت در دست نیست، دیگر اینکه تاریخ کتابت و تألیف شش سال فاصله دارد و از ابیات الحاقی در حاشیه و خط خوردگی‌ها و اصلاحات برخی از واژه‌ها، احتمال دارد که نسخه به نظر مؤلف نیز رسیده باشد. معانی برخی کلمات در بالای آن و بین‌السطور نوشته شده و توضیحات مفصل‌تر هم در حاشیه نسخه جای گرفته است که با توجه به دقت بسیاری از توضیحات و فاصله اندک میان تألیف و کتابت، می‌توان یقین کرد که از مؤلف کتاب باشد. نکته دیگر اینکه کاتب، نام مؤلف را کامل‌تر از آنکه خودش بارها در رساله ذکر کرده، یاد می‌کند و کاملاً روشن است که مؤلف را به‌خوبی می‌شناسد و با تکریم از او نام می‌برد.

امتیازات و ویژگی‌های اثر

مفصل‌ترین رساله خوشنویسی است که توسط یک خوشنویس و شاعر هندی تألیف شده است. او با وجود ضعف زبانی و عیوب فصاحت و لغزش در وزن و قافیه در سخنوری ماهر و مدّعی است.

بیشتر اطلاعات موجود، برگرفته از تجربیات شخصی مؤلف است. مؤلف در سال ۱۱۲۰ق، هنگامی که ۶۵ ساله بوده، این رساله را تألیف کرده است و از این رو در بهترین سن و پختگی کافی به این کار دست زده است.

رساله به نثر زیبا و گاه مسجع است و یک‌پنجم از آن را سروده‌های مؤلف شکل داده است و مؤلف برخلاف بسیاری از ادیبان شبه‌قاره، با زبان و ادبیات عربی نیز آشنایی نسبی دارد. این نکته از توضیحاتش درباره معانی و نکات صرف و نحوی برخی واژه‌ها و عبارات عربی در حاشیه روشن می‌گردد.

مؤلف کوشیده اطلاعات دست اول رایج در شبه‌قاره را از زبان خویش بیان کند و در ذکر اطلاعات و اشعار دیگران، بسیار امانت‌دار است و به نام دقیق منابع اشاره می‌کند و گاه با عنوان «عزیزی گفته»، به اینکه مطالب از خودش نیست، تأکید کرده است. این ویژگی در بسیاری از متون ادبی و تاریخی کهن و خصوصاً رسالات خوشنویسی رعایت نشده است؛ برای نمونه در رساله مفصل فوائدالخطوط از درویش محمد بخاری،^۱ بیشتر اطلاعات برگرفته از رسالات پیشین است اما هیچ اشاره‌ای به منابع و سراینندگان اشعار نشده است.

مؤلف به آموزه‌هایی از قواعد میرعلی تبریزی اشاره می‌کند که در این باره به نظر می‌رسد به منابع دقیق دسترسی نداشته است. از رساله ارزشمند تحفة المحبین از یعقوب بن حسن سراج شیرازی که در محمدآباد بیدر در ۸۵۸ق تألیف شده، بی‌خبر بوده اما رسالات سلطان‌علی مشهدی و مجنون رفیقی را در دست داشته و از آنها یاد کرده است. از نستعلیق‌نویسان شبه‌قاره، از برجسته‌ترین آنها یعنی محمدحسین کشمیری یاد می‌کند.

کتاب در ۱۱۲۰ق، زمانی که نستعلیق در شبه‌قاره در اوج رواج و زیبایی بوده، تألیف شده است. یک‌صد سال پس از محمدحسین کشمیری و سی و پنج سال پس از درگذشت عبدالرشید دیلمی و دقیقاً سالی که اشرف مازندرانی (شاگرد عبدالرشید دیلمی) از دنیا رفته و هنوز میراث خوشنویسان مهاجر به هند، گرانقدر شمرده می‌شد و نستعلیق دچار افول نشده بود. این اثر نشان می‌دهد که در اوایل سده دوازدهم در شرق هندوستان و صدها کیلومتر دور از پایتخت‌هایی چون

۱. نک: رسالاتی در خوشنویسی، ص ۳۰۵.

دهلی (شاه جهان آباد)، آگرا (اکبر آباد)، فتحپور سیکری و اورنگ آباد، خوشنویس گمنامی چون محمدنعم چه بسیار با زبان، ادبیات و هنر ایران آشنایی دارد و دست به تألیف رساله‌ای تخصصی می‌زند و اثری قابل مقایسه با رسالات هنرمندان ایرانی و در جغرافیای ایران را تألیف می‌کند.

همچنین از نظر کاربرد اصطلاحات هندی و گاه معادل‌های هندی برای اصطلاحات تخصصی فارسی، رساله بسیار جالب و مفید است و کتاب از منظر اصطلاحات نادر خوشنویسی و هنرهای وابسته همچون سیه‌گر (مرگب‌ساز)، مَهره‌کش، مَهره‌کشی، کاغذیان نیز درخور توجه است.

ذکر و یادکرد افراد

مؤلف از افراد گوناگون، از پیامبر و پادشاه و پیر طریقتش گرفته تا استادان و دوستان و همکلاسانش، یاد کرده و نام می‌برد.

در آغاز نام خدا به نعت پیامبر اسلام پرداخته است. سپس بدون اشاره مستقیم به نام خلیفه مسلمانان، به منقبت آن یار می‌پردازد. پادشاه زمان، اورنگ‌زیب را مدح گفته است. از پیرش، قطب‌الدین قطب‌الاقطاب دهلوی، به‌عنوان پیر در ماندگان یاد کرده و همچنین به مدح میان‌شیخ بازید می‌پردازد. از دوستان و یارانش یاد می‌کند: شیخ عبدالقادر، لاله سوکهرمل، لاله دوله رام، برخوردار حسین‌علی، لاله صفارام، لاله بنس راج، لاله ستوکوه رای، لاله برج لال، لاله لالساہ، لاله دت پرشاد و لاله سیو کرام.

در چهار جا از فرزندش غلام‌بهرام یاد می‌کند و حتی تاریخ دقیق تولد او را در ذی‌قعدة ۱۱۱۷ هجری که خود در حاشیه ذکر کرده و در یک مورد از کتابش

با عنوان «تحفه البهرام» یاد کرده است. تاکنون هیچ هنرمندی در رساله آموزشی اش این اندازه از فرزندش یاد نکرده است.

از استادان خطش: میان شیخ عبدالکریم و حاجی الحرمین حاجی جمال الدین و از معلم مکتبش: شیخ شهاب الدین که هم نام با پدر بزرگش است و شاید همو باشد و از خوشنویسان معاصرش یاد می کند: خضرخان دهلوی و میرحسام الدین (هنگام تألیف اثر درگذشته بود.) و به تئى چند از خوشنویسان پیشین، همچون: محمدحسین کشمیری، سلطان علی (مشهدی)، میرعلی (تبریزی)، مجنون (رفیقی) اشاره می کند. همچنین از دایره میرسید درگاهی و شیخ الهداد (کاغذی). از گنگام رام نامی پسر باسو کلال نام می برد که او را از غرق شدن نجات داده است و از میرزا فرخنده روی، لاله لعل چند، لاله پرسادی رام و میرسید رستم فرزند سید عبدالفتاح نام می برد.

از عموزاده اش که نی هایش را سرقت کرد.

از خان عالم که ایلچی هندوستان بوده و بهترین تراشنده قلم بوده و از شاه جهان و شاه عباس یاد می کند. به جز پیامبر اسلام (ص)، از خلفای راشدین و پیامبرانی و قدیسانی چون حضرت داود، موسی، خضر، مریم، ... و نام می برد.

سبک نثر و نظم

محمدمنعم علاقه مند است که استادی خود در نثر و نظم فارسی و حتی را به رُخ خواننده بکشد. هم چون بسیاری از نویسندگان شبه قاره از روی فروتنی خود را بی بضاعت و شاگرد خطاب نمی کند و در عین حال از مرتبه و شأن خویش آگاه است. نظم کردن اطلاعات درباره ابزار خوشنویسی و قواعدش کار دشواری

است، چنان که سلطان علی مشهدی اشاره کرده است:

نظم فرمودن قواعد خط هست نزد فقیر، محض غلط

با این حال او به راحتی اطلاعات و تجربیاتش را در قالب نظم ریخته و از این رو سروده‌هایش را می‌توان با مشاهیری چون سلطان علی مشهدی و مجنون رفیقی هروی که رسالات آموزشی منظوم دارند، سنجید و مقایسه کرد. از واژه‌ها و اصطلاحات رایج در شبه‌قاره بسیار استفاده می‌کند، همچون: تیار، پهتکری، مسالات، بحیسار و...

و نیز بهره‌مندی از معنای خاص آنها در شبه‌قاره، مانند: جَلَد (در معنای تیز و تند). تقریباً معنا و مفهوم تمام این اصطلاحات با مراجعه به فرهنگ‌های تخصصی و پرس‌وجو از دوستان هندی برطرف شد و در پاورقی توضیح داده شده است. به ابتدای نام خوشنویسان متقدم، نسبت «میر» را اضافه کرده است؛ مانند: میر محمدحسین کشمیری، میر مجنون و میر سلطان‌علی. این رفتار مؤلف را باید حمل بر احترام به استادان کرد و نه نسبت سیادت که در ایران مرسوم است. جالب است که واژه «خوشنویس» و ترکیباتش را بیش از ۵۰ بار استفاده کرده ولی «خطاط» و ترکیباتش را حتی یک بار به کار نبرده است و از این رو نسبت به بسیاری از متون ایرانی، گرایش به کاربرد واژه‌های فارسی سره دارد. همچنین بنا بر سنت معمول، محمدمنعم نیز خوشنویسی را در حوزه کتابت و استنساخ می‌بیند و از ورود به حوزه کتیبه‌نگاری و کتیبه‌نگاران خودداری کرده است و هیچ اشاره‌ای به بناهای شگفت‌انگیزی چون تاج محل و کتیبه‌های ثلث آن نمی‌کند. در نقل اشعار دیگران بسیار امانت‌دار است و اگر سراینده را نشناسد، از او با عنوان «عزیزی» یاد می‌کند.